

Introduction and review of the treatise on the beliefs of the Saints of Seven (A Turkish manuscript of the Tazkereh of the Sheikhs of the Zahidiya and Safavid Tariqats)

Mohammad Aziznejad^{1*}, Fatemeh Jafarnia²

1. PhD in History of Islamic Iran, Head of Secondary School History, General Directorate of Education of Ardabil Province, Ardabil, Iran
2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran, f.jafarniya@pnu.ac.ir

Received: 2024/01/06	Received in Revised Format: 2024/01/16	Accepted: 2024/01/30	Published: 2024/03/20
----------------------	--	----------------------	-----------------------

Abstract

The movement of Sufism is one of the most pervasive intellectual movements in the history of Iran, which had a great impact on religious and philosophical thoughts. This current of thought reached its peak of acceptance and influence in the 7th century with the invasion of the Mongols. Some Sufis have written works to explain the opinions and thoughts of the Sheikhs of Sufi orders. The Treatise on the Beliefs of the Saints of Seven is one of these works. This treatise is a philosophical, mystical and theological Tazkera with a Shiite flavor about the opinions and opinions of important and influential elders of the Zahidiya and Safavid sects such as Sheikh Ibrahim Zahid Gilani and Sheikh Safiuddin Ishaq Ardabili. This manuscript treatise was written by Sultan Mahmud Zahedi, one of the mystics of the Zahedi family, in the Azerbaijani Turkish language at the end of the 8th century of Hijri. In fact, the beliefs of the Saints of Seven reflect the philosophical, mystical and religious beliefs of the author's fathers and ancestors, Sheikh Ibrahim Zahid Gilani, Sheikh Safiuddin Ardabili and other Sheikhs of the Zahidiya and Safavid dynasty, and the author himself. The purpose of this research is to introduce and examine the treatise on the beliefs of the Saints of Seven and its place in understanding the opinions and thoughts of the sheikhs of the Zahidiyya and Safavid sects regarding philosophical, mystical issues and the principles of the beliefs of the Imamiyya Shia religion. The present research with these questions; What are the contents and themes of the said treatise? What similarities does this work have with Al-Buyruq's treatise? It is trying to answer the mentioned questions with a descriptive-analytical approach based on the manuscript of the treatise on the beliefs of the Saints of Seven. The findings of the research show that the themes and content of the Treatise on the Beliefs of the Saints of Seven in simple prose and in Turkish language have introduced the opinions and beliefs of the Sheikhs of the Zahidiyya and Safavid sects using Quranic verses and hadiths and Islamic and Shia traditions. Also, this treatise has some similarities with the treatise of Al-Buyruq. The language and spelling style of this manuscript is similar to other Sufi treatises and Tazkirahs attributed to Shaykh Safiuddin Ardabili, with the difference that unlike them, which is written by disciples, this treatise was written by someone from the Zahedi and Safavid families.

Keywords: the beliefs of the Saints of Seven, Sultan Mahmud Zahedi, Turkish language, Al-Buyruq, Sheikh Safiuddin Ardabili.

Cite as: Introduction and review of the treatise on the beliefs of the Saints of Seven (A Turkish manuscript of the Tazkereh of the Sheikhs of the Zahidiya and Safavid Tariqats). Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 163-176. Times New Roman 9

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2025.19224

*Corresponding Author. PhD in History of Islamic Iran, Head of Secondary School History, General Directorate of Education of Ardabil Province, Ardabil, Iran: Maziznejad63@gmail.com

معرفی و بررسی رساله عقاید اولیاء سبعة

(نسخه خطی ترکی تذکره مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه)

محمد عزیزنژاد^{۱*}، فاطمه جعفرنیا^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دبیر تاریخ متوسطه دوم، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. f.jafarniya@pnu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

جریان تصوف از فراگیرترین جریان‌های فکری تاریخ ایران است که تأثیر فراوانی بر اندیشه‌های مذهبی و فلسفی گذاشت. این جریان فکری در سده هفتم هجری و با هجوم مغولان به اوج مقبولیت و نفوذ خود رسید. برخی صوفیان برای تبیین آراء و اندیشه‌های مشایخ طریقت‌های صوفیانه، آثاری تألیف کرده‌اند. رساله عقاید اولیاء سبعة از جمله این آثار است. این رساله تذکره فلسفی، عرفانی و کلامی با صبغه شیعی درباره عقاید و آرای مشایخ مهم و تأثیرگذار طریقت‌های زاهدیه و صفویه چون شیخ ابراهیم زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی است. این رساله نسخه خطی، توسط سلطان محمود زاهدی از عارفان خاندان زاهدیه به زبان ترکی آذربایجانی در اواخر سده هشتم هجری تحریر شده است. در واقع، عقاید اولیاء سبعة بازتاب عقاید و باورهای فلسفی، عرفانی و طریقتی آبا و اجداد نویسنده، شیخ ابراهیم زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سایر مشایخ سلسله زاهدیه و صفویه و خود مؤلف است. هدف این پژوهش معرفی و بررسی رساله عقاید اولیاء سبعة و جایگاه آن در شناخت آراء و افکار مشایخ طریقت زاهدیه و صفویه پیرامون مسائل فلسفی، عرفانی و اصول عقاید مذهب شیعه امامیه است. پژوهش حاضر با طرح این سئوالاتی؛ محتوا و مضامین رساله مزبور مشتمل بر چه مباحثی است؟ این اثر چه شباهت‌هایی با رساله البیوروق دارد؟ درصدد است با تکیه بر نسخه خطی رساله عقاید اولیاء سبعة با رویکردی توصیفی - تحلیلی به سئوالات مذکور پاسخ دهد. یافته‌های تحقیق مبین آن است که مضامین و محتوای رساله عقاید اولیاء سبعة با نثری ساده و به زبان ترکی آراء و عقاید مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه را با استفاده از آیات قرآنی و احادیث و روایات اسلامی و شیعی معرفی کرده است. همچنین این رساله تا حدی مشابهت‌هایی با رساله البیوروق هم دارد. زبان و شیوه املائی نوشتاری این نسخه خطی مشابه با دیگر رسالات و تذکره‌های صوفیانه منسوب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی است با این تفاوت که برخلاف آنان که تحریر مریدان است، این رساله توسط فردی از خاندان زاهدی و صفوی تحریر شده است.

کلیدواژه‌ها: عقاید اولیاء سبعة، سلطان محمود زاهدی، زبان ترکی، البیوروق، شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

نحوه ارجاع: "معرفی و بررسی رساله عقاید اولیاء سبعة (نسخه خطی ترکی تذکره مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه)". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳:

(۱)، ۱۷۱-۱۸۳

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.19224

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دبیر تاریخ متوسطه دوم، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

Maziznejad63@gmail.com

تهاجم مغولان به سرزمین‌های اسلامی در سده هفتم هجری به گسترش و نفوذ تصوف دامن زد. طریقت زاهدیه از جمله طریقت‌هایی بود که با تأثیر از مکتب بغداد و گرایش صوفیه سهروردیه، نقش مهمی در گسترش تصوف در مناطق گیلان و آذربایجان داشته است. شیخ ابراهیم زاهد گیلانی با جذب و آموزش مریدان، طریقتی بنا نهاد که تداوم آن در طریقت صفویه قابل بازیابی است. یکی از مهمترین مریدان او، شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود که طریقت صفویه را بنیان گذاشت.

شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی (۶۵۰-۷۳۵ق/۱۲۵۲-۱۳۳۵م)، از عرفا و مشایخ معروف سده هفتم و هشتم هجری و بانی طریقت صفویه است که با نشر و ترویج عقاید و آرای خویش سهم مهمی در تغییر و تحول بنیان فکری و مذهبی جوامع انسانی دوران حیات خود داشته است. به رغم جایگاه برجسته او در تحولات حیات فکری و تصوف تاریخ میانه ایران، مطالعات تاریخی در مورد حیات و آرا و عقاید شیخ صفی‌الدین اردبیلی و دیگر مشایخ طریقت صفویه از فقر منابع اولیه تاریخی رنج می‌برد. اغلب تحقیقات تاریخی پیرامون این مسئله با تکیه بر منابع تاریخی متأخر تألیفی تاریخ‌نگاری دوره حکومت صفوی و بر پایه حدس و گمان پژوهشگران استوار است. مهم‌ترین منبع متقدم تاریخی که گزارش و آگاهی از حیات و آرا و عقاید شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارائه می‌دهد، کتاب *صفوة الصفای* ابن بزار اردبیلی است. اما برخی از پژوهشگران اصالت و محتوای گزارش‌های کتاب *صفوة الصفای* را زیر سؤال می‌برند و بر این باوراند که کتاب مزبور توسط حاکمان صفوی و به ویژه شاه طهماسب اول صفوی از باب نسب‌سازی و مذهب دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته است. از اینرو، معرفی و بررسی نسخه خطی کتب و رسالات به زبان‌های ترکی، فارسی و عربی درباره احوالات و عقاید شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مبانی فکری و عقیدتی مشایخ طریقت صفویه از ضرورت‌های تحقیقات تاریخی است. در چند سال اخیر با کشف و معرفی بخش‌های پراکنده‌ای از کتاب *قارا* مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی با اهتمام و تلاش‌های مستمر حسین محمدزاده صدیق، مسیر و زمینه برای یافتن دیگر رسالات مرتبط با *قارا* مجموعه^۳ از سوی دیگر پژوهشگران علاقمند مهیا گردیده است. چنانچه رسالات و تذکره‌های عرفانی و متون صوفیانه چندی چون رساله *البیوروق*، شیخ صفی‌الدین اردبیلی *تذکره‌سی*، *کونول رساله‌سی*، *یول اهلینین قلاوزو* و غیره را می‌توان نام برد که توسط مریدان شیخ صفی‌الدین و خانقاه صفوی تحریر شده‌اند. در واقع، نگارش رسالات و تذکره‌های عرفانی و صوفیانه حول شخصیت شیخ صفی‌الدین اردبیلی پس از وفات او آغاز شد. *صفوة الصفای* ابن بزار اردبیلی، یکی از اولین این تذکره‌ها بود که با تشویق و تلاش شیخ صدرالدین موسی فرزند و جانشین شیخ صفوی تألیف شد. حتی شهرت و آوازه شیخ صفی و منبع تغذیه فکری و قلمی تاریخ‌نگاران دوره حکومت صفوی درباره احوالات و آراء و عقاید شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مشایخ طریقت صفوی مدیون کتاب مزبور است.

لیکن با گسترش تصوف صفویه در نواحی آناتولی و شامات، لزوم نگارش رسالات و تذکره‌های خرد و کلان به زبان ترکی متداول گشت و به مرور زمان به متون عرفانی و صوفیانه پیروان طریقت صفوی تبدیل شد. نسخه خطی *رساله عقاید اولیاء* سبعه را می‌توان یکی دیگر از رسالات و تذکره‌های مهم و ارزشمند نویافته نسخه خطی ذکر کرد. این نسخه خطی به زبان ترکی و در زمره تذکره‌های عرفانی و فلسفی را می‌توان در راستای *قارا* مجموعه دانست. این رساله از نظر زبانی و محتوا، اشتراکات و تشابهاتی با دیگر رسالات و تذکره‌های *قارا* مجموعه چون *رساله البیوروق* دارد. هدف این پژوهش معرفی و بررسی نسخه خطی نویافته ارزشمند *رساله عقاید اولیاء* سبعه و معرفی نسب و خاستگاه و آرا و عقاید سلطان محمود زاهدی و سایر مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه است.

^۳. در دوره صفویه، به مجموعه کلمات قصار، نصایح، اندرزها، تحقیق‌ها و ارشادات برجای مانده از شیخ صفی‌الدین اردبیلی، *قارا* مجموعه اطلاق می‌شده است (*قارا* مجموعه، ۱۳۸۶: ۷).

پیشینه و روش تحقیق

تا کنون درباره رساله عقاید اولیاء سبعه، پژوهشی جامع و علمی انجام نشده است. با این حال درباره این رساله، سید حیدر بیات در نقد و معرفی قارا مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، برای نخستین بار در گزارشی با عنوان «رساله عقاید اولیاء سبعه؛ ستاره‌ای درخشان از قارا مجموعه»، آگاهی‌های کوتاه و مفیدی از این رساله در سایت علمی آثار دکتر حسین محمدزاده صدیق در آینه نقد ارائه کرده است. محمد سوری، در چهارمین پیش‌نشست همایش بین‌المللی مخطوطات مشرق‌زمین با موضوع نقش دستنویس‌های متون فلسفی، کلامی و عرفانی در فهم بهتر تاریخ علوم اسلامی (۱۴۰۱)، با عنوان «معرفی نسخه خطی کتاب عقاید اولیاء سبعه و ترجمه فارسی آن با عنوان تحفه سلیمانی و آگاهی‌های تازه از طریقت صفویه» به معرفی اجمالی این رساله و مباحث فلسفی-عرفانی آن پرداخته است.

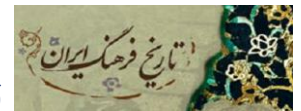
اخیراً هم کتابی با عنوان دو رساله فلسفی-عرفانی «تحفه سلیمانی» و «سؤال و جواب» به ضمیمه نسخه برگردان رساله ترکی «عقاید اولیاء سبعه» (۱۴۰۱)؛ با ترجمه فارسی محمد رفیع زاهدی پیرزاده با مقدمه و تصحیح محمد سوری و مهدی عسگری چاپ شده است. محمد رفیع زاهدی معروف به «پیرزاده» از نوادگان سلطان محمود زاهدی، رساله عقاید اولیاء سبعه را به زبان فارسی ترجمه و آن را «تحفه سلیمانی»^۴ نامیده و به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است (زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۹). مصححان کتاب مزبور، نسخه خطی تحفه سلیمانی را تصحیح کرده‌اند و در انتها هم صرفاً به چاپ نسخه خطی رساله عقاید اولیاء سبعه بسنده کرده‌اند. همچنین تصحیح‌کنندگان، از رساله کوتاهی به نام «سؤال و جواب» در کنار مجموعه نسخه خطی تحفه سلیمانی یاد می‌کنند و مدعی‌اند این رساله، عنوان و نویسنده ندارد؛ ولی با توجه به محتوای آن بر این باوراند که این رساله مجهول هم از آن سلطان محمود زاهدی است که محمد رفیع زاهدی پیرزاده آن را نیز به فارسی ترجمه کرده و همچون تحفه سلیمانی، پاره‌ای از نظرات استادش ملا رجبعلی تبریزی^۵ را به آن افزوده است (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۴-۱۵).^۶ با توجه به اینکه این رساله، برخلاف تحفه سلیمانی، آغاز و انجام ندارد، بعید نیست که بخش‌هایی پراکنده یا گزیده‌هایی از برخی پرسش‌ها و پاسخ‌هایی باشد که مریدان از سلطان محمود زاهدی پرسیده‌اند. گویا این پرسش‌ها و پاسخ‌ها به همین شکل باقی مانده و صورت نهایی رساله‌ای مستقل به خود نگرفته است (همانجا).

فهرست‌نویسان کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، این بخش مجزا و پراکنده سؤال و جواب را با عنوان کلی «رساله عرفانی» ثبت کرده‌اند (درایتی، ۱۳۹۰: ۱۸/۴۵۰). ضمناً به سبب اینکه اولین جمله رساله، با سئوالی از سلطان خواجه علی صفوی آغاز می‌شود و سئوالات مربوط به او تا چندین برگ ادامه پیدا می‌کند. همین مسأله باعث شده است که فهرست‌نویسان کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار گمان کنند که نویسنده رساله سلطان خواجه علی صفوی است (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۵). مصححان کتاب با تصحیح اشتباه فهرست‌نویسان کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به درستی اعلام کردند که رساله‌ای

^۴. نسخه خطی تحفه سلیمانی به شماره ۶۴۵۱ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. این مجموعه، به خط نستعلیق کتابت شده است و ۱۱۸ برگ دارد (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۶).

^۵. ملا رجبعلی تبریز (متوفی ۱۰۸۰/ق ۱۶۶۹م)، متولد شهر تبریز و حکیم مشائی حوزه فلسفی اصفهان بود. مدتی را در بغداد به ریاضت و سلوک اشتغال ورزید؛ سپس با مهاجرت به اصفهان به تحصیل حکمت پرداخت (شاملو، ۱۳۷۴: ۴۷/۲). میر فندرسکی استاد او بود و در گرایش به حکمت مشائی ابن‌سینا از استاد خویش متأثر گشت. ملا رجبعلی تبریزی به آثار و افکار ابن‌سینا احاطه داشت. در مدرسه شیخ لطف‌الله اصفهان به تدریس حکمت پرداخت (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۲۳/۱؛ شاملو، ۱۳۷۴: ۴۸/۲). محمد رفیع زاهدی، معروف به پیرزاده، از نزدیک‌ترین شاگردان تبریزی بود و نوشته‌های استادش را در دورانی که به سبب ضعف جسمانی قادر به نوشتن نبود، زیر نظر او تحریر کرد (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۸). ملا رجبعلی تبریزی به سبب مقام علمی‌اش مورد احترام و تکریم شاهان صفوی و درباریان بود. حتی شاه عباس دوم صفوی خانه‌ای در حومه اصفهان به او اهدا کرد. شاه سلیمان صفوی نیز به مصاحبت با او اشتیاق نشان می‌داد (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۲۳/۱؛ شاملو، ۱۳۷۴: ۴۸/۲). مدفن او در اصفهان واقع است (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۲۳/۱ و ۲۸۳).

^۶. برخلاف چاپ کتاب دو رساله فلسفی-عرفانی در سال ۱۴۰۱، ارجاع به درآمد کتاب مزبور که توسط مصححان محمد سوری و مهدی عسگری به تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۰ نوشته شده، داده شده است.



مقاله پژوهشی

تحت عنوان «سؤال و جواب» از آن خواجه سلطان علی صفوی نیست. اما در ادامه خودشان نیز دچار خطا شده و به تبع از فنخا^۷ نام رساله مذکور را «سؤال و جواب» گذاشته (درایتی، ۱۳۹۰: ۷۰۴/۲۲-۷۰۵) و گمان کرده‌اند که این هم رساله دیگری از سلطان محمود زاهدی است. نگارندگان پژوهش حاضر با نظر مصححان کتاب دو رساله فلسفی-عرفانی مبنی بر اینکه محتوای رساله سؤال و جواب از آن سلطان محمود زاهدی است، موافق‌اند؛ اما قائل به وجود رساله‌ای با این عنوان مستقل از سلطان محمود زاهدی نیستند؛ زیرا مطالب این رساله به اصطلاح سؤال و جواب ادامه همان مطالب ترجمه فارسی کتاب تحفه سلیمانی از اصل ترکی رساله عقاید/ولیاء سبعه است که احتمالاً به مرور زمان از نسخه اصلی مجزا و پراکنده شده است. اگر مصححان به جای استفاده از نسخه خطی فارسی تحفه سلیمانی، اصل کتاب نسخه خطی ترکی رساله عقاید/ولیاء سبعه موجود در کتابخانه آستانه قدس رضوی را مبنای تصحیح، بررسی و تحلیل قرار می‌دادند، دچار این خطا نمی‌شدند. لیکن این خطای آنان احتمالاً ناشی از عدم آشنایی و تسلط به زبان ترکی است.

معرفی نسخه خطی رساله عقاید اولیاء سبعه

نسخه خطی رساله عقاید/ولیاء سبعه، جزو نسخ خطی نفیس و ارزشمندی است که به صورت مُذَهَّب در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۰۴ ثبت، حفظ و نگهداری می‌شود. این نسخه خطی جمعاً ۵۳ برگ دارد که از این تعداد ۴۶ برگ، بدنه اصلی متن را تشکیل می‌دهد. هر برگ نیز شامل دو صفحه است. طول هر برگ ۲۳ و عرض آن ۱۳ سانتی‌متر است. رساله عقاید/ولیاء سبعه، در قطع وزیری با رویه جلد چرم ساغری و تمام صفحات آن هم وسط مجدول مُذَهَّب است. همچنین سرلوح مذهب مرصع در آغاز دارد. مقدمه و عناوین آن هم شنگرف^۸ است؛ اما متن اصلی به خط سیاه کتابت شده است. جنس کاغذ دست‌ساز و نخودی است. رساله به خط نستعلیق و زبان ترکی نوشته شده است و هر برگ آن چهارده سطر دارد.

فهرست‌نویسان کتابخانه آستانه قدس رضوی، واقف رساله عقاید/ولیاء سبعه، را شخص نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق/۱۷۳۶-۱۷۴۷ م) معرفی و تاریخ وقف این نسخه خطی را سال ۱۱۴۵ هجری/۱۷۳۳ میلادی ثبت کرده‌اند. استناد آنان به واقف و تاریخ وقف عبارت کوتاه در صفحه نخست رساله با مضمون «جلد مذکور از جمله هفتصد جلد کتاب وقفی ملکان سلیمان شأن والی والاشان خراسان که از دارالسلطنه اصفهان ارسال این آستان فیض نشان نموده [...] شهر صفراالمظفر ۱۱۴۵» است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳). این اثر، جزو کتاب‌های دارالسلطنه اصفهان بوده است که بعد از سقوط خاندان صفویه، به دست نادرشاه افشار می‌افتد و نادر نیز آن را به همراه ۷۰۰ جلد کتاب دیگر از کتابخانه دارالسلطنه اصفهان، در سال ۱۱۴۵ ق/۱۷۳۳ م. به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا می‌کند (بیات، [بی‌تا]: ۲).

تاریخ دقیق کتابت این نسخه خطی نفیس مشخص نیست؛ اما سال‌های مختلفی در برگ نخست و پایانی رساله آمده است که به ترتیب زمانی عبارت از: (تاریخ ۳ شهر ذی قعدة سنه ۱۱۰۱ [...])، تاریخ ۳ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۱۰۵ تخاقوی ئیل داخل عرض شد)، (تاریخ ۱۱ شهر ذی قعدة‌الحرام سنه ۱۱۲۷ داخل عرض شد)، (شهر صفراالمظفر سنه ۱۱۴۵)، (تاریخ شهر ذی‌الحجه سنه ۱۱۵۴ تخاقوی ئیل داخل عرض شد)، (تاریخ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۱۹۶ داخل عرض شد)، (تاریخ شهر محرم-الحرام سنه ۱۲۵۰ [...]) داخل عرض شد)، (تاریخ شهر ذی قعدة‌الحرام سنه ۱۲۷۰ داخل عرض شد)، (تاریخ ۴ شهر شوال‌المکرم ۱۲۷۲ داخل عرض شد)، (سنه ۱۲۸۷ شهر شوال‌المکرم دُرْدَنده زیارت اُلدی)^۹، (تاریخ ۴ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۹ ملاحظه شد)، (تاریخ یوم شنبه ۱۳ شهر شوال‌المکرم السنه تنکوز ئیل ۱۲۹۲ در عرض کتابخانه مبارکه ملاحظه شد)، (شب پنجشنبه ۸ شهر

^۷ درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ویراستار مجتبی درایتی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

^۸ اکسید سرب که سرخ رنگ است و از آن در نقاشی استفاده می‌کنند (دهخدا، ذیل واژه شَنگَرَف).

^۹ در چهارم شهر شوال‌المکرم سنه ۱۲۸۷ ملاحظه شد.

رجب‌المرجب لوی نیل ۱۲۹۷ داخل عرض و [...] ۳۰ کتابخانه مبارکه شد) و (تاریخ ۲۳ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۳۱۲ ملاحظه شد) با عباراتی چون «ملاحظه شد»، «داخل عرض شد» و «زیارت اُدی» آمده است. با عنایت به سال‌های مختلف مذکور، گویا تاریخ سال ۱۱۰۱/ق/۱۶۹۰م. مقارن با حکمرانی شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵/ق/۱۶۶۶-۱۶۹۴م)، را می‌توان اولین تاریخ کتابت این نسخه خطی عنوان کرد. کما اینکه نادرشاه افشار نیز این کتاب را به همراه هفتصد جلد کتاب دیگر از کتابخانه سلطنتی آثار دولخانه مبارکه دوره حکمرانی شاه سلیمان صفوی به مشهد منتقل کرده است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳). با این حال، سال ۱۱۰۱/ق/۱۶۹۰م، را نمی‌توان به طور قطع سال کتابت این نسخه خطی اعلام کرد؛ چون جمله «داخل عرض شد» عبارت کلی و مبهمی است و می‌توان از آن برداشت‌های مختلفی کرد. احتمالاً در سال مزبور، رساله مجدداً توسط خازن و متصدی امور کتابخانه سلطنتی مورد بازبینی و ملاحظه قرار گرفته است و پس از تأیید، مهر خود را زده و آن را در آثار دولخانه مبارکه ثبت کرده است. شاید هم در این سال، نساخی از روی متن قدیمی و اصلی رساله، رونوشت و نسخه‌برداری کرده و متصدی امور کتابخانه سلطنتی نیز پس از ملاحظه نسخه جدید، مهر خود را همراه با درج سال و عبارت «داخل عرض شد» به نشانه تأیید بر آن زده است. همچنین از درج سال‌های گوناگون با مهرهای مختلف در حاشیه نسخه خطی، می‌توان چنین گفت که کتاب در طول سال‌های مختلف از لحاظ کیفیت، دوام و ماندگاری توسط کتابداران و خازن‌های متعدد کتابخانه سلطنتی مورد بررسی و ملاحظه قرار می‌گرفته است. ضمناً مکان و نگهداری نسخه مدنظر نیز مدام جابه‌جا و از جایی به جایی دیگر منتقل می‌شده است.

معرفی نسب و خاستگاه نویسنده

نویسنده نسخه خطی رساله عقاید اولیاء سبعة «سلطان محمود بن سلطان برهان‌الدین بن شیخ جمال‌الدین علی قطب-الاولیاء شیخ زاهد» فردی از خاندان زاهدی گیلانی است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳). نویسنده مزبور، نوه ذکور شیخ ابراهیم زاهد گیلانی (متوفی ۷۰۰/ق/۱۳۰۰م) است. از زندگی، احوالات و تاریخ وفات مؤلف اطلاعی در دست نیست. لیکن از همان رساله عقاید اولیاء سبعة می‌توان تا حدودی حیات مؤلف را بازسازی نمود. سلطان محمود زاهدی، خواجه سلطان علی صفوی (۷۹۳-۸۳۲/ق/۱۳۹۲-۱۴۲۹م) را با عنوان «سید المحققین»، خال گرامی خود معرفی کرده است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳؛ زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۳۱). پس سلطان برهان‌الدین پدر مؤلف رساله، داماد شیخ صدرالدین موسی (۷۳۵-۷۹۲/ق/۱۳۳۵-۱۳۹۱م) و خاندان صفوی بوده است. در واقع، سلطان محمود زاهدی نواده مشترک شیخ ابراهیم زاهدی گیلانی و شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی است. به عبارت دیگر، او از طرف پدر به خاندان شیخ ابراهیم زاهد گیلانی و از طرف مادر هم به خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی منتسب است (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۱).

گفتنی است که، پیوند خویشاوندی میان سلسله مشایخ خاندان‌های زاهدی گیلانی و صفوی اردبیلی امری رایج بوده است. چنانکه، نخستین سنگ بنای پیوند خویشاوندی را شیخ صفی‌الدین اردبیلی با ازدواج با بی‌بی فاطمه، دختر مرشدش شیخ زاهد گیلانی گذاشته بود (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۷۱-۱۷۲؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۷-۱۸). حتی، یکی از فرزندان شیخ ابراهیم زاهد گیلانی داماد شیخ صفی‌الدین اردبیلی از همسر دیگری بود (ابن ابدال زاهدی، ۱۳۴۳: ۹۵). جالب است که شیخ جمال‌الدین علی بن زاهد گیلانی پدر بزرگ سلطان محمود زاهدی، همان فردی است که بر سر تصاحب مقام مرشدی و جانشینی شیخ زاهد گیلانی و طریقت زاهدیه به رقابت و دشمنی با شیخ صفی‌الدین اردبیلی برخاست و حتی درصدد قتل و مسموم کردن او برآمد (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۷۸۸-۷۹۱). با این حال به نظر می‌رسد که شیخ صدرالدین موسی صفوی فرزند و جانشین شیخ صفی، برای تحبیب قلوب این شاخه از سلسله مشایخ زاهدیه و کاستن از نفاق و کدورت آنان، دختر خود را به تزویج برهان‌الدین فرزند شیخ جمال‌الدین علی درآورده است. چون شیخ صفی‌الدین اردبیلی در ایام پس از مرگ شیخ زاهد، بیشتر با حاجی شمس‌الدین پسر دیگر شیخ ابراهیم زاهد گیلانی که دامادش بود، از هر نظر از «امتنه و املاک و خواسته فراوان» مورد لطف و عنایت خود قرار می‌داد (ابن ابدال زاهدی، ۱۳۴۳: ۹۵)؛ اما این موضوع مشمول حال شیخ جمال‌الدین

مقاله پژوهشی

علی دیگر فرزند شیخ زاهد نبود (همان، ۹۳-۹۶). این در حالی است که، مؤلف رساله عقاید اولیاء سبعه، شیخ جمال‌الدین علی پدر بزرگ خود را با عنوان «مقتدای موحدین» جزو هفت اولیاء برجسته در اثرش معرفی کرده است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳؛ زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۳۱).

احتمالاً مؤلف در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری مقارن با حکمرانی حکومت‌های تیموریان (حک: ۷۷۱-۸۱۸ق/۱۳۷۰-۱۴۱۴م) آل جلایر^{۱۰} (حک: ۷۳۶-۸۱۵ق/۱۳۳۶-۱۴۱۲م) و ترکمانان قراقویونلو (۷۸۲-۸۷۳ق/۱۳۸۰-۱۴۶۸م) می‌زیسته است. در واقع می‌توان گفت دوره حیات سلطان محمود زاهدی، مصادف با سلطان خواجه علی صفوی و شیخ ابراهیم صفوی (۸۳۲-۸۵۱ق/۱۴۲۹-۱۴۴۷م) از رهبران طریقت صفویه بوده است. سلطان محمود زاهدی، از عرفا و مشایخ صوفی مشهور طریقت‌های زاهدیه و صفویه زمانه خود بوده است. او از محضر علمی پدرش سلطان برهان‌الدین زاهدی و بویژه دایی‌اش خواجه سلطان علی صفوی در علوم دینی و دانش‌های زمانه از عرفان و تصوف اسلامی کسب فیض کرده است. او در عرفان و فلسفه نیز تبحر داشته است؛ زیرا در این رساله، خود را در کنار شیخ ابراهیم زاهد گیلانی، شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی، شیخ جمال‌الدین علی زاهدی، شیخ صدرالدین موسی صفوی، خواجه سلطان علی صفوی و سلطان برهان‌الدین زاهدی به عنوان هفت اولیاء معروف یاد کرده است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳). او شیعه مذهب بوده است. چون در مقدمه تمحیدیه رساله، با مدح و ستایش از امام علی (ع) و اولادش، آنان را جانشین و وصی بر حق پیغمبر اسلام معرفی کرده است و بر شیعیان و محبان آن حضرت رحمت الهی و بر دشمنان و مبغضان ایشان، لعنت خدا را طلب می‌کند (همانجا). ضمناً مباحث واقع غدير خم و غصب حق ولایت امام علی (ع) توسط برخی صحابه دنیا طلب را پیش کشیده و به ترتیب دوازده امام را جانشین برحق پیامبر اسلام معرفی می‌کند (همان، ۴۶-۴۷). سلطان محمود زاهدی در حوزه‌های علوم اسلامی از قبیل عرفان، فلسفه، تفسیر قرآن کریم، احادیث و روایات و تاریخ اسلام نیز احاطه و تسلط داشته است؛ چون در لابه‌لای متون این رساله برای اثبات و استناد مطالب خود به کرات از آیات، عبارات و اصطلاحات قرآنی، احادیث و روایات اسلامی استفاده کرده است. بدین‌گونه می‌توان گفت که سلطان محمود زاهدی فردی از سلسله مشایخ خاندان زاهدی، عالمی شیعی مذهب و عارف و فیلسوف معروف زمانه خود بوده است (همان، ۳۳-۴۷).

ساختار زبانی و محتوای کتاب

کتاب رساله عقاید اولیاء سبعه، به شیوه ادبی قدیمی زبان ترکی آذربایجان نگارش یافته است. لهجه املای نوشتاری کتاب به زبان متکلمان اردبیلی نزدیکتر است. کما اینکه این شیوه هنوز هم به عنوان یک زبان معیار ادبی در کتاب‌های مرثیه آذربایجان رایج است. تقریباً تمام رساله‌های معرفی شده وابسته به قارا مجموعه از قبیل البوریق، یول اهلینه قیلاروزو، کؤنل رساله‌سی و غیره نیز به همین شیوه نوشته شده است (بیات، [بی‌تا]: ۲). شیوه املای نوشتار رساله عقاید اولیاء سبعه، قرابت‌های کمی با ترکی جغتایی دارد. اما برخی از اینگ‌ها (سونکره، حضرتنک، اوننک، اولونکوز، بیلونکوز و...) که در اصطلاح ادبی به آنها «نون غنه» گفته می‌شود و از مختصات ترکی میانه است، در این نسخه دیده می‌شود. گفتنی است که این خصیصه هنوز هم در زبان برخی از ایلات قشقایی وجود دارد؛ اما در ترکی آذربایجانی امروزی از بین رفته است (همانجا). لهذا این رساله نسخه خطی، بر اساس شیوه زبان تکلم مردم عادی و با نثری ساده نوشته شده است. همچنین این نسخه خطی، از حیث بررسی سیر تطور زبان ترکی و لغات‌شناسی نیز دارای اهمیت خاصی است. چنانچه واژه «قویاش»^{۱۱} (آفتاب، خورشید)

^{۱۰} آل جلایر از جمله حکومت‌های بودند که جانشین دولت ایلخانان مغول شدند و بر نواحی عراق و آذربایجان حکمرانی می‌کردند. مؤسس این خاندان حکومتگر، امیر حسن بزرگ بود. اما قلمرو حکمرانی آنان در سال ۸۱۵ق/۱۴۱۲م، بدست ترکمانان قراقویونلو افتاد (باسورث، ۱۳۷۱: ۲۴۴-۲۴۵).

^{۱۱} «حق و حقیقت طالب‌لری سعی ایدونکوز مرشد مددی ایلن بصیرت کوزین ائمه‌دین محبتی ایلن بینا و رسالت قویاشیننک» نوریته قرین ایدوب نجات مقامینه يتوره‌سز» (ای طالبان حق و حقیقت سعی کنید با یاری و کمک مرشد، چشم بصیرت را با محبت ائمه دین بینا و با نور آفتاب رسالت قرین ساخته و به مقام نجات برسانید) (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳).

که در این رساله استفاده شده است، امروزه استعمال این واژه در ادبیات ترکی آذربایجانی دیگر متداول نیست (زاهدی گیلانی، [بی تا]: ۳).

سلطان محمود زاهدی رساله عقاید اولیاء سبعة، را به درخواست جمعی از خواص و فرزند خود شیخزاده ملک طیفور نوشته است. به نوشته او، «چونکه جمعی از خواص ما و خصوصاً فرزند ارجمند شیخ زاده ملک طیفور از این فقیر...استدعا نمودند که خلاصه عقاید خود را و حضرت سلطانالاولیاء شیخ زاهد و قطبالاصفیاء حضرت شیخ صفیالدین که داماد و خلیفه آن حضرت و مقتدای موحدین شیخ جمالالدین و سراجالمُرشدین شیخ صدرالدین و دایی بزرگوارم خواجه سلطان علی و پدر عالیمقدارم شیخ برهانالدین که شنیده و ضبط نموده به رشته تحریر و تقریر درآوردم» (زاهدی گیلانی، [بی تا]: ۳؛ زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۳۱-۳۲). در ادامه نیز علت تألیف این رساله را چنین بیان می کند: «در اول به حسبالاستدعای آن محبتان مختصری که شامل بر عقاید آن بزرگواران و این فقیر حقیر باشد، ترتیب داده و با عبارات احضر و ظاهر بیان می شود که مسترشدان و طالبان حق و حقیقت متوصل گشته و چشم بصیرت خود را به این عقاید روشن کرده و با دلایل ظاهر از همه شک و شبهات محفوظ گشته و در تحصیل قرب مقام نهایت سعی و غایت اهتمام به عمل آورند، چرا که در این زمانه جمعی اهل دعوی بسیاری ظاهر شدند که در صورت و ظاهر اهل حق اند، اما در باطن طالب هوا و ضال و مُضِل اند و می طلبند که خلاق را نه به دخول آتشی که [خدای] خلق نموده است جنت و آتش نعوذ بالله منهم و من الشیطان الرجیم» (زاهدی گیلانی، [بی تا]: ۳).

به باور سید حیدر بیات، مؤلف رساله مذکور نامی بر کتاب خود ننهاده است؛ بلکه بعدها توسط مریدان این نام بر این اثر گذاشته شده است (بیات، [بی تا]: ۱). سلطان محمود زاهدی در این رساله، آراء و عقاید شش نفر از شیوخ اولیای سلسله طریقت زاهدی و صفوی را همراه با عقیده خود بیان کرده است و کتاب به سبب آراء و باورهای این هفت تن، به عقاید اولیاء سبعة مشهور شده است. رساله مشمول است بر اصول دین مبین، مذاهب و عقاید امامیه و دیدگاه و نظرات هفت اولیاء الله در مباحث فلسفی و عرفانی (زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۲۸).

رساله عقاید اولیاء سبعة، در اواخر سده یازدهم هجری توسط یکی از نوادگان نویسنده به نام محمدرفع زاهدی معروف به «پیرزاده» به زبان فارسی ترجمه شده است و مترجم آن را به نام شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵/ق ۱۶۶۶-۱۶۹۴م) «حفه سلیمانی» نامیده است (همانجا). نامبرده در ترجمه خود، بخشی از سخنان استادش ملا رجبعلی تبریزی (متوفی ۱۰۸۰/ق ۱۶۶۹م) را نیز به این کتاب افزوده است. به قول پیرزاده، این رساله در میان خاندانهای زاهدی و صفوی مشهور و خواندن آن متداول بوده است (همانجا). محمدرفع زاهدی رساله عقاید اولیاء سبعة را در کتاب تحفه سلیمانی، «عقاید اولیاء الله» معرفی کرده و می افزاید که، سلطان محمود زاهدی از اجداد او رساله ای در اصول دین مبین ترتیب داده است و از خدمت خال بزرگوارش خواجه سلطان علی و پدرش سلطان برهانالدین زاهدی، از عقاید و آرای اجداد و آبای خود و آراء و عقاید سلطان شیخ صفیالدین، سلطان شیخ صدرالدین کسب نموده و آن رساله را به عقاید اولیاء الله موسوم ساخته و در میان اجداد این فقیر مضبوط و معمول است (همان، ۲۷-۲۸). او در چرایی ترجمه رساله عقاید اولیاء سبعة به زبان فارسی نیز می افزاید: «چون این رساله شریفه مشتمل بود بر اصول مذاهب و عقاید امامیه و آراء حکماء الاهیین و اولیاء مقربین در علم ربوبیت به لغت ترکی و بعضی از آن مسائل در نهایت اجمال بود و اطلاع بر فحای آن متعسر، لهذا این فقیر را به آن خاطر رسید که ترجمه آن نماید به زبان فارسی و توضیح مشکلات و معضلات آن نماید» (همان، ۲۸).

گفتنی است که از خاندان زاهدی یک پیرزاده دیگری با نام «شیخ حسین بن شیخ ابدال زاهدی» مؤلف کتاب سلسله النسب صفویه نیز معروف است که او نیز به سان محمدرفع زاهدی پیرزاده اثر خود را به سلطان سلیمان صفوی تقدیم کرده است. پدرش شیخ ابدال زاهدی، تولیت بقعه آستان شیخ صفیالدین اردبیلی را بر عهده داشته است (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۴). احتمالاً این دو باهم برادر بودند.

مقاله پژوهشی

سلطان محمود زاهدی در این رساله، تصویری کاملاً شیعی از خاندان‌های طریقت زاهدی و صفوی ارائه می‌دهد و همه مشایخ سلسله خاندان‌های مذکور را از پیروان و محبان اهل بیت معرفی می‌کند. چنانچه در تصریح این مسئله می‌افزاید: «بدانید و آگاه باشید ای برادران ما که عقیده و اعتقاد مرشدان زاهدی و صفوی ما، همان عقیده امام‌العالمین و هادی‌المرشدین و وصی‌السیدالمرسلین امیرالمومنین علی مرتضی است و شریعت ما همان است که آن حضرت بدان فتوا داده و دست به دست گشته و به ما بی‌بضاعتان رسیده است»^{۱۲} (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳-۴).

او، امام علی (ع) را بی‌واسطه خلیفه، وصی و نایب حضرت رسول الله معرفی کرده و در ادامه به همان اصول مذهب شیعه امامیه، به ترتیب دوازده امام را جانشین و حاکم واقعی مسلمانان اعلام می‌کند و خودشان را از محبان و دوستداران «اهل بیت ائمه اطهار (ع)» می‌داند (همانجا). حتی نامبرده در این رساله، فصلی با عنوان اثبات نبوت را مطرح کرده و در آن به مسأله جانشینی و تعیین خلیفه از سوی پیامبر (ص) در مراسم حجة‌الوداع و منزل غدیر خم اشاره کرده و مفصل به نحوه تعیین ولایت امام علی (ع) و چرایی عدم تحقق این اقدام پیامبر (ص) و اختلاف بین صحابه بر سر منصب خلیفه و تبعات آن در بین امت مسلمانان پرداخته است (همان، ۴۳-۴۵). حتی انکار ولایت «علی ولی الله و وصی رسول» و امامت یازده فرزند آن حضرت را به محرومیت از نور کلمه طیبه شهادتین دانسته است؛ چون انکار علی و یا یکی از ائمه را انکار خدا و رسول اکرم بیان کرده است (همان، ۳-۴). از فحواي رساله چنین بر می‌آید که سلسله طریقت مشایخ زاهدیه و صفویه بر خلاف بعضی از سلسله‌های مشایخ صوفی دیگر صرفاً به طریقت بسنده ننموده و به اجرای شریعت و احکام الهی از قبیل نماز و روزه و خمس و زکات نیز مقید و پایبند بوده‌اند (زاهدی پیرزاده، ۱۴۰۱: ۴۱؛ بیات، [بی‌تا]: ۳).

مؤلف در بیان ارشاد و استرشاد سلسله علیه صفویه، شیخ ابراهیم زاهد جدّ خود را به حضرت امام علی (ع) واصل و مقتدا و مرشد این سلسله نجیب معرفی کرده است. همچنین در سلسله اسناد صفوی پس از شیخ زاهد به ترتیب نایب و خلیفه او را «قطب‌الاصفیاء و سلطان‌الاولیاء و مرشدالکل سید المحققین شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی»، «ثمره الاولیاء و نورالاصفیاء و مرشدالعالمین سید العارفین شیخ صدرالدین» و «حضرت سید المرشدین الداعی الی الصراط المستقیم خلیفه خلفاءالعالمین خواجه سلطان علی» یاد کرده است. در این رساله از اجازه شیخ زاهد به شیخ صفی برای ارشاد و تلقین اهل تبریز نیز سخن رفته است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۴). نکته جالب در این گزارش، پیران و مشایخ سلسله صفوی را با عنوان و لقب سید خطاب کرده است.

سلطان محمود زاهدی، ترتیب شجره و سلسله پیران و مرشدان مشایخ طریقت زاهدی و صفوی، را هم معرفی کرده است. او، پیر و مرشد شیخ ابراهیم زاهدی را سید جمال‌الدین تبریزی دانسته است. شیخ زاهد داماد مرشدش بود و شیخ جمال‌الدین علی نیز نوه آن سید بزرگوار است. خود سید جمال‌الدین تبریزی، نیز خرقة ارشادی خود را از شیخ شهاب‌الدین محمود

^{۱۲} «آگاه اولونکوز و بیلونکوز بیزوم قارداش لارموز زاهدی و صفوی‌لردین که بیزوم مرشدلر عقیده و اعتقادلری حضرت امام‌العالمین و هادی‌المرشدین و صی‌السیدالمرسلین امیرالمؤمنین علی مرتضی عقیده‌سی دور و شریعتوموز شریعتی‌دور که اول حضرت عمل و فتوی ایدوب آل‌دین‌آله اول مقتدای اهل ایمان و توحیددین بیز بی‌بضاعتلره یتیشوب‌دور و اول حضرتی واسطه و فاصله‌سز حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله خلیفه و وصی و نایبی بیلوروز و بیله آندن سونکره اول حضرتک فرزند ارجمندی و حضرت نبی الله فرزند زاده‌سی اما الانس و الجن حضرت امام حسن و اوندین سونکره اول حضرتک قارداشی امام‌العالمین و هادی‌الثقلین حضرت امام حسین و اول حضرتدین سونکره اونک اوغولی و نایبی امام‌المسلمین علی بن‌الحسین امام زین‌العابدین و اول حضرتدین سونکره اونک فرزند هادی‌المؤمنین حضرت امام محمدالباقر و اوندین سونکره اول حضرتک اوغولی خلیفه الله فی السموات و الارض حضرت امام جعفرالصّادق و اول حضرتدین سونکره اوغولی امام‌المؤمنین نورالعابدین حضرت امام موسی کاظم و اوندین سونکره اول حضرتک اوغولی و نور دیده‌سی امام الجن و الانس امام علی‌الرّضا اوندین سونکره اونک اوغولی امام‌الخافقین حضرت امام محمدالتقی اوندین سونکره اول حضرتک قرّه عینی خلیفه‌الله فی‌العالمین حضرت امام علی‌التقی و اول امام‌دین سونکره اول حضرت اوغولی هادی‌الخلایق امام‌البرایا حضرت امام حسن‌العسکری و اوندین سونکره اونک اوغولی حجه‌الله القاطع نورالله‌الطامع امام‌الکویتي حضرت امام محمد‌المهدی صاحب‌هذا‌العصر و الزّمان و خلیفه‌الرحم صلوات الله و سلامه علیه و علیهم‌اجمعینی سیوروز و محبّوز اول حضراتی و اونکلارنک محبّ‌لربنی و دشمن و بیزاروز اول ائمّه‌دن دشمن-لریدن ايله» (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳-۴).

تبریزی^{۱۳} و او از شیخ رکن‌الدین السجاسی و او هم از قطب‌الدین ابوبکر ابهری و او از شیخ حضرت ابونجیب السهروردی و او هم از عموی خود قاضی وجیه‌الدین عمر البکری و او هم از پدرش محمد البکری و او هم از شیخ احمد اسود دینوری و او هم از شیخ ممشاد الدینوری و او هم از شیخ ابوالقاسم جنید بن محمد البغدادی و او نیز از شیخ سَری سقطی^{۱۴} و او نیز از شیخ ابومحفوظ معروف کرخی و او نیز از شیخ داود الطائی و او هم از شیخ حبیب العجمی و او هم از کمیل بن زیاد النخعی و او هم از امیرالمؤمنین و یعسوب‌الدین و خلیفه رسول رب‌العالمین اسدالله الغالب ابوالحسن علی بن ابی‌طالب اخذ کرده است (همان، ۴-۵). جالب است مؤلف با وجود این همه تأکید بر تشیع و گاه ضدیت با تسنن، اشاره‌ای به نام‌های امامان سوم تا هشتم در میان مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه نکرده است. درباره نام‌های مشایخ خرقه طریقت، حد فاصل میان معروف کرخی تا امام علی (ع)، اختلاف نظر وجود دارد. در برخی سلسله‌های طریقت صوفی، نام سه تن از مشایخ (داود طائی، حبیب عجمی و حسن بصری) ذکر شده است و در برخی دیگر اسامی امام‌های هشتم و سوم آمده است. صوفیه عموماً هر دو طریق را معتبر می‌شمارند؛ هرچند طریق نخست در میان ایشان قدمت بیشتری دارد. ورود طریق دوم را باید نتیجه تحولاتی دانست که طریقت‌های عرفانی در نزدیک شدن به اهل بیت (ع) از سر گذارنده و به تدریج اسامی امامان را جایگزین نام‌های دیگر مشایخ کرده‌اند (سوری و عسگری، ۱۴۰۰: ۱۲). نکته دوم در خصوص شجره اسامی سلسله مراتب مشایخ در رساله حاضر این است که در آثار و منابع کتب تاریخی صوفیه، معمولاً طریقت‌هایی که به کمیل بن زیاد النخعی می‌رسند، از طریقت جنید بغدادی جدا است (همان، ۱۳). به نظر می‌رسد در این رساله، میان این دو طریق خلط شده است یا اینکه به سبب بد نامی حسن بصری در میان شیعیان، نام او را با کمیل بن زیاد النخعی جابه‌جا کرده‌اند، بدون اینکه توجه کنند که بقیه سلسله نیز باید اصلاح شود (همانجا). در حالی که ابن بزاز اردبیلی در *صفوة الصفا* در ذکر شجره، خرقه و اسناد شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی، نام حسن بصری را در سلسله طریقت صفویه ذکر کرده است (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۸۰-۱۸۱).

ضرورت وجود مرشد و عمل به دستورات مرشد از مباحث دیگر این رساله است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۳ و ۵). مؤلف رساله، به طالبان حق و حقیقت توصیه می‌کند که با کمک مرشد چشم بصیرت با محبت ائمه دین بینا می‌شود. همچنین طریق نیل به حضرت الله تعالی را بی‌دلیل و مرشد غیر ممکن دانسته و بر ضرورت دلیل و مرشد تأکید می‌کند (همان، ۳). جالب است مطالب و مضامین رساله البویوروق درباره موضوعاتی چون چشم دل (بصیرت دل)، محبت اولیاء، عقل، اطاعت، اجرای احکام شریعت و غیره اشتراکات و تشابهات زیادی با این رساله دارد (البویوروق، ۱۳۸۱: ۱۳-۳۳). با این تفاوت که در *رساله البویوروق* مطالب و مضامین مختلف رنگ و بوی صوفیانه دارد؛ اما در *رساله عقاید/ولیاء* سبعة موضوعات مذکور با استفاده از آیات قرآنی، احادیث و روایات اسلامی صبغه شیعی به خود گرفته است. برای نمونه در *رساله البویوروق* در مبحث دشمن طریق، آمده است که «اولیاء پاک‌اند، در این صورت بایستی ظاهر و باطن طالب نیز پاک باشد» (همان، ۳۰). در حالی که راجع به این مسئله مؤلف *رساله عقاید/ولیاء* سبعة به آیات قرآنی متوسل شده است. چنانچه در تفسیر آیه قرآنی «یا أَیُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ»^{۱۵}، شرط نیل به مرتبه و مقام و خطاب سرافراز عبادالله و ورود به بهشت را اطاعت از شریعت حضرت رسول الله (ص) و محبت مرتضی علی و اولاد اطهارش و عمل به طریق او ذکر می‌کند. در ادامه نیز به تفسیر «نفس مطمئنه» و مراتب و درجات انسان و نفوس در این رساله پرداخته است (زاهدی گیلانی، [بی‌تا]: ۶). مضافاً در این رساله، فصلی در بیان عقل و کشف و مراتب آن (همان، ۷-۱۱) و بیان مجملی از معرفت الله تعالی (همان، ۱۱) از مسائل فلسفی و عرفانی نیز بحث شده است.

سلطان محمود زاهدی در این رساله همچون *رساله البویوروق* از صفحات ۱۱ تا ۳۲ موضوعات مختلفی را در قالب سؤال و جواب پیرامون مسائل فلسفی، عرفانی و الهی را از زبان مریدان و مرشدان آورده است. مرشدان سلسله مشایخ طریقت زاهدی و

^{۱۳}. شیخ شهاب‌الدین محمود عتیقی ابهری.

^{۱۴}. سری بن المغلس السقطی (ابن بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۸۱).

^{۱۵}. آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر.

مقاله پژوهشی

صفوی چون شیخ ابراهیم زاهد گیلانی، شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی، شیخ صدرالدین موسی صفوی، خواجه سلطان علی صفوی، شیخ جمال‌الدین علی زاهدی و برهان‌الدین زاهدی و محمود سلطان زاهدی نیز به فراخور سئوال‌های مریدان خاندان‌های مشایخ طرایق زاهدی و صفوی، جواب‌های کوتاه و مفصلی داده‌اند (همان، ۱۱-۳۲). اولین پاسخ را هم خواجه سلطان علی صفوی به سئوال مریدان و اهل تحقیق داده است (همانجا). حتی در این رساله، مؤلف بحث مفصلی را در قالب سئوال و جواب با عنوان گفتاری در ایجاد عالم امر و خلق پرداخته است (همان، ۳۲-۴۱). گفتنی است که فهم و درک برخی از جملات و مفاهیم دانش فلسفی و کلامی، نیاز به تفسیر و شرح حکیمان دارد. در انتهای این رساله، مؤلف فصلی با عنوان اثبات نبوت به مسائلی چون ضرورت و ویژگی‌های نبی، ضرورت تعیین خلیفه و غیره را عمدتاً با اتکا به روایات اسلامی آورده است. همچنین در این فصل، به نحوه ولایت امام علی (ع) در حادثه غدیر خم توسط پیامبر اسلام و عدم اجرای وصایای پیامبر و اختلاف صحابه بر سر منصب خلافت و ایجاد اختلاف و نفاق در امت اسلام پرداخته است (همان، ۴۱-۴۶).

نتیجه

تصوف که اساس و بن‌مایه آن قرآن و حدیث و احکام اسلامی بود، از قرن دوم هجری به عنوان یک دیدگاه و جریان فکری تاثیرگذار در حوزه‌های مختلف آغاز شده است. رهبران و مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه نیز چندین قرن بر جامعه و فرهنگ ایران اثرگذار بوده‌اند. در این میان برخی از صوفیان در تبیین آراء و عقاید رهبران این طریقت‌ها، کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند که رساله عقاید/اولیاء سبعه از جمله آنهاست. نسخه خطی این رساله، اطلاعات ارزشمندی از عقاید و باورهای سلسله مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه ارائه می‌دهد. نویسنده رساله، فردی فاضل و عالم دینی و مسلط به فلسفه، عرفان، تفسیر، حدیث و تاریخ اسلام بوده است. اکثر نسخه‌های خطی یافته شده قارا مجموعه چون البیوروق، کؤنول رساله‌سی، یول اهلینین قیلاوزو درباره حیات و آرا و عقاید شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سایر مشایخ طریقت صفوی به دست مریدان تحریر یافته است؛ اما این رساله تألیف سلطان محمود زاهدی نواده شیخ ابراهیم زاهد گیلانی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی است و نامبرده خود یکی از مشایخ مشهور فلسفی و عرفانی این سلسله است. اهمیت این نسخه خطی در این است که آراء و عقاید شیخ زاهد گیلانی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، صدرالدین موسی صفوی، خواجه سلطان علی صفوی و سایر مشایخ طریقت خاندان زاهدی (اولیاء سبعه) درباره مسائل فلسفی، عرفانی و کلامی در این رساله آمده است. نویسنده رساله ضمن بیان آراء و اندیشه‌ها، تصویری شیعی مذهب از عقاید مشایخ طریقت‌های زاهدیه و صفویه ارائه داده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابدال پیرزاده زاهدی، شیخ حسین. (۱۳۴۳)، سلسله‌النسب صفویه، برلین: چاپخانه ایران‌شهری.
۳. ابن بزاز اردبیلی، درویش توکلی بن اسمعیل. (۱۳۷۳)، صفوةالصفاء، به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز: تابش.
۴. باسورث، ادموند کلیفورد. (۱۳۷۱)، سلسله‌های اسلامی (راهنمای گاهشماری و تبارشناسی)، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. بیات، سید حیدر بیات. (بی‌تا)، رساله عقاید اولیاء سبعه؛ ستاره‌ای درخشان از منظومه قارا مجموعه، آثار استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق / <http://profduzgun.com>
۶. جهانگشای خاقان. (۱۳۶۴)، به تصحیح اله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۷. درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ویراستار مجتبی درایتی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۸. رساله البیوروق (رسالات قارا مجموعه-۱). (۱۳۸۱)، ترجمه محمد صادق نائی، تهران: انتشارات پیام.

مقاله پژوهشی

۹. زاهدی پیرزاده، محمد رفیع. (۱۴۰۱)، دو رساله فلسفی-عرفانی: «تحفه سلیمانی» و «سؤال و جواب» به ضمیمه نسخه برگردان رساله «عقاید اولیاء سبعة»، ترجمه از ترکی و اضافات محمد رفیع زاهدی پیرزاده، مقدمه و تصحیح محمد سوری- مهدی عسگری، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۰. زاهدی گیلانی، سلطان محمود بن برهان‌الدین. (بی‌تا)، رساله عقاید اولیاء سبعة، نسخه خطی، کتابخانه آستانه قدس رضوی، شماره ثبت ۲۰۴.
۱۱. سوری، محمد. (۱۴۰۱)، معرفی نسخه خطی کتاب عقاید اولیاء سبعة و ترجمه فارسی آن با عنوان تحفه سلیمانی و آگاهی‌های تازه از طریقت صفویه، چهارمین پیش نشست همایش بین‌المللی مخطوطات مشرق‌زمین، نقش دستنویس‌های متون فلسفی و کلامی و عرفانی در فهم بهتر تاریخ علوم اسلامی <http://radio.isca.ac.ir/music/>.
۱۲. شاملو، ولی‌قلی بن داود قلی. (۱۳۷۴)، قصص‌الخاقانی، به تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. قارا مجموعه (شیخ صفی‌الدین اردبیلی‌نین شعرلر، سؤزلر، اؤیودلر و منقبه‌لر). (۱۳۸۶)، تدوین حسین محمدزاده صدیق، تبریز: انتشارات اختر.
۱۴. نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمد طاهر. (۱۳۷۸)، تذکره نصرآبادی و تذکره الشعرا، به تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: انتشارات اساطیر.